

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةٌ إِسْلَامٍ عَلَىٰ مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَىٰ أُسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ  
الإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: رسالت اسلام با گذشت عصرها بر اساس منطق و دوری از بدی بوده است؛  
همانا خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ  
بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَّلَتْ: ٣٤

«نیکی و بدی برابر نیست {همواره} با بهترین روش، بدی آن‌ها را دفع کن پس آن‌گاه آن کسی که بین تو و  
بین او دشمنی است، گویا او (که با تو سر دشمنی دارد) با تو دوست و گرم و صمیمی است.»

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسُبُّوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ:  
﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾ الأَنْعَامُ: ١٠٨

همانا قرآن به مسلمانان امر می‌کند که به معبودهای مشکران و کفار دشنام ندهید پس می‌فرماید:  
«و کسانی که به جای الله می‌خوانند (می‌پرستند) دشنام ندهید که آنها نیز به الله دشنام دهند.»

الإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ  
بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٦٤

دین اسلام به همه ادیان احترام می‌گذارد. «بگو ای اهل کتاب به سوی سخنی بیایید که در بین ما و بین  
شما یکسان است که جز خداوند را عبادت نکنیم و به او شرک نوزیم.»

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَىٰ حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٦

قرآن به آزادی عقیده تأکید می‌کند: «هیچ اجباری در دین نیست...»

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَىٰ نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى  
كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِحَقَائِدِهِ؛  
لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرُّومُ: ٣٢

اصرار بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست. زیرا کسی از آن سود نمی‌برد؛ و بر همه مردم است که با حفظ  
عقایدشان با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، زیرا «هر گروهی (فرقه‌ای) به آن چه دارد  
خوشحال است.»

أَلْبَلَدُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.

سرزمین‌های اسلامی مجموعه‌ای هستند از ملت‌های زیاد که در زبان‌ها و رنگ‌هایشان اختلاف دارند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴾ الْحُجُرَات: ١٣

خداوند بزرگ و متعال فرمود: «ای مردم همانا شما را از مرد و زنی آفریدم و شما را ملت‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است.»

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَىٰ عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَىٰ أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَىٰ أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ.»

رسول خدا (ص) فرموده است: ای مردم آگاه باشید همانا پروردگار شما یکتا است و پدر شما یکی است؛ آگاه باشید هیچ برتری برای عرب بر عجم و نه برای عجم بر عرب و نه برای سیاه بر سرخ و نه برای سرخ بر سیاه نیست جز به تقوا.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ... ﴾ آل عمران: ١٠٣

قرآن ما را به وحدت امر می‌کند. «و همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و پراکنده نشوید...»

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

اتحاد امت اسلامی در شکل‌های زیادی، از جمله اجتماع مسلمانان در مکانی واحد در حج جلوه‌گر می‌شود، مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند در مساحتی وسیع از سرزمین چینی تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَتَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی که رحمت خداوند بر او باد فرمود: هرگاه سخنی را بگوید که بین مسلمانان را تفرقه بیندازد پس بدانید که او نادان است یا عالمی است که برای پراکندن اختلاف بین صف‌های مسلمانان تلاش می‌کند.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

و رهبر ما آیت الله خامنه‌ای فرمودند: هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند پس او مزدور است.

x ✓

## عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ. x
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ. ✓
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا. ✓
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ. x
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. x

## إِعْلَمُوا

### الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.  
با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تفاعل، تفعیل، مُفاعلة و افعال) آشنا شوید.

أَبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
تَفَاعُل	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهْ: همانند شو	تَشَابُهٌ: همانند شدن
تَفْعِيل	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
مُفَاعَلَةٌ	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالِسٌ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
إِفْعَال	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن

## اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اَكْتُبْ بِأَبْهَا.

باب	مصدر	امر	مضارع	ماضی
تَفَاعُل	تَعَامَل: داد و ستد کردن	تَعَامَل: داد و ستد کن	يَتَعَامَل: داد و ستد می‌کند	تَعَامَل: داد و ستد کرد
تَفْعِيل	تَعْلِيم: یاد دادن	عَلِّم: یاد بده	يُعَلِّم: یاد می‌دهد	عَلَّمَ: یاد داد
مُفَاعَلَة	مُكَاتَبَة: نامه‌نگاری کردن	كَاتَب: نامه‌نگاری کن	يُكَاتَب: نامه‌نگاری می‌کند	كَاتَب: نامه‌نگاری کرد
إِفْعَال	إِدْخَال: داخل کردن	أَدْخِل: داخل کن	يُدْخِل: داخل می‌کند	أَدْخَلَ: داخل کرد

## تَرْجِمْ جُمَلَ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: (بَابُ تَفَاعُلٍ) تَعَارَفَ ، يَتَعَارَفُ ، تَعَارَفُ : هَمْدِيْغَر رَا شَنَاخْتَن

الزُّمَلَاءُ تَعَارَفُوا.	الطَّالِبَاتُ يَتَعَارَفْنَ.	أَنْتُمْ سَتَتَعَارَفُونَ.	نَحْنُ مَا تَعَارَفْنَا.	أَأَنْتُمْ تَعَارَفْتُمْ؟
همدیسها را شناختند	دانش‌آموزان همدیگر را می‌شناسند	شما همدیگر را خواهی شناخت	ما همدیگر را شناختیم	آیا شما همدیگر را شناختید

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: (بَابُ تَفْعِيلٍ) نَزَلَ ، يَنْزِلُ ، تَنْزِيلٌ : پَایِن آوَرْدَن

أَنَا سَأَنْزِلُ الْبَضَائِعَ.	الْعُمَّالُ مَا نَزَلُوا شَيْئًا.	أَنْتُمْ نَزَلْتُمْ أَمْ هُمْ نَزَلُوا؟	رَجَاءٌ نَزَلَ الْأَطْفَالَ.
من کالاها را پایین خواهم آورد	کارگران چیزی را پایین نیابردند	آیا شما پایین آوردید یا آنها پایین آوردند	لطفا کودکان را پایین بیاورید

الْجَدْوَلُ الثَّلَاثُ: (بَابُ مُفَاعَلَةٍ) دَفَعَ ، يُدْفِعُ ، مُدْفَعَةٌ : دَفَاعَ كَرْدَن

الْجُنُودُ يُدْفِعُونَ.	إِنَّهُ لَا يُدْفِعُ.	هُمْ دَافِعُوا.	دَافِعٌ عَنِ نَفْسِكَ.	يَا جُنُودُ، دَافِعُوا.
سربازان دفاع می‌کنند	همانا او دفاع نمی‌کند	آنها دفاع کردند	از خودت دفاع کن	ای سربازان، دفاع کنید

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: (بَابُ إِفْعَالٍ) أَجْلَسَ ، يُجْلِسُ ، إِجْلَاسٌ : نَشَانِيدَن

هُمْ أَجْلَسُوا الْأَطْفَالَ.	الْأُمَّهَاتُ يُجْلِسْنَ الْأَوْلَادَ.	إِنَّهُ قَامَ بِإِجْلَاسِ الْحَاضِرِينَ.	رَجَاءٌ، أَجْلَسُوا الصُّيُوفَ.
همکلاسی‌هایم یاد گرفتند	مادران فرزندان را می‌نشانند	او به نشانیدن حاضران اقدام کرد	لطفا مهمانان را بنشانید

در درس پیش دانستیم که معنای فعل‌های هم‌ریشه ثلاثی مجرد با ثلاثی مزید فرق دارد. برخی معانی مشهور باب‌های ثلاثی مزید:

یکی از معانی مشهور دو باب افعال و تفعیل تبدیل معنای فعل از لازم به متعدی است؛ مثال:

نَزَلَ: پایین آمد    نَزَلَ: پایین آورد    وَصَلَ: رسید    وَصَلَ: رسانید (باب تفعیل)

خَرَجَ: بیرون آمد    أَخْرَجَ: بیرون آورد    جَلَسَ: نشست    أَجْلَسَ: نشانید (باب افعال)

نَزَلَ حَامِدٌ مِنْ فَوْقِ الْفَرَسِ؛ وَلَكِنْ خَافَ مَاجِدٌ وَ مَا نَزَلَ؛ فَأَنْزَلَهُ وَالِدُهُ.

حامد از روی اسب پیاده شد؛ ولی ماجد ترسید و پیاده نشد؛ و پدرش او را پیاده کرد.

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: (لِلتَّرْجَمَةِ)

قَرَّبَ: نزدیک شد ..... قَرَّبَ: نزدیک کرد ..... فَهِمَ: فهمید ..... فَهِمَ: فهماند .....

فَرَعَّ: خالی شد ..... أَفْرَعَّ: خالی کرد ..... عَرَفَ: دانست (شناخت) ..... عَرَّفَ: معرفی کرد .....

دَخَلَ: داخل شد ..... ادَّخَلَ: داخل کرد ..... ضَحِكَ: خندید ..... أَضْحَكَ: خنداند .....

یکی از معانی دو باب مُفَاعَلَةٌ و تَفَاعُلٌ مشارکت است؛ مثال:

ضَارَبَ فُؤَادُ هِشَامًا. فُؤَادٌ بِهَشَامٍ زِدٌ وَ خُورِدٌ كَرِدٌ.

تَضَارَبَ فُؤَادُ وَ هِشَامٌ: فُؤَادٌ وَ هِشَامٌ هَمْدِیْغَرَ رَا زَدَنَد.

جَلَسُوا: نشستند    جَالَسُوا: همنشینی کردند    كَتَبُوا: نوشتند    كَاتَبُوا: نامه‌نگاری کردند (باب مُفَاعَلَةٌ)

دَفَعُوا: هل دادند    تَدَفَعُوا: همدیگر را هل دادند    سَقَطُوا: افتادند    تَسَاقَطُوا: پی‌درپی افتادند (باب تَفَاعُلٌ)

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: (لِلتَّرْجَمَةِ)

ضَرَبُوا: زدند ..... ضَارَبُوا: زد و خورد کرد ..... نَصَرُوا: یاری کردند ..... نَاصَرُوا: بهم یاری کردند

عَاشُوا: زندگی کردند ..... تَعَايَشُوا: همزیستی داشتند ..... صَرَبُوا: زدند ..... تَضَارَبُوا: همدیگر را زدند

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### حوارات (في صالّة التفتيش بِالْجَمَارِكِ)

گفت و گوها (گفت و گویی در سالن بازرسی گمرک)

الزائرة	شُرطِي الْجَمَارِكِ
زائر	پلیس گمرک
عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ؟	إِجْلِي هَذِهِ الْحَقِيبَةُ إِلَى هُنَا.
به روی چشم، ای برادرم، ولی مشکل تو چیست؟	این چمدان را این جا بیاور
لا بَأْسَ.	تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ.
اشکالی ندارد.	بازرسی ساده
لِأَسْرَتِي.	عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
برای خانواده‌ام.	بخشید، این چمدان برای کیست؟
تَقْضَلُ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةً لِلتَّفْتِيشِ.	إِفْتَحِهَا مِنْ فَضْلِكَ.
بفرمایید، چمدانم برای بازرسی باز است.	لطفا آن را باز کن.
فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَفَةُ وَالْمَلَابِسُ ...	مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟
مسواک و خمیر دندان و حوله و لباس‌ها ....	چه چیزی در چمدان است؟
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذُّكْرِيَّاتِ.	مَا هَذَا الْكِتَابُ؟
کتاب نیست؛ بلکه دفتر خاطرات است.	این کتاب چیست؟
حُبُوبٌ مُهَدَّئَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟
قرص‌های آرام بخش، من سر درد دارم.	این قرص‌ها چیست؟
وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جِدًّا.	هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.
اما من واقعاً به آن‌ها نیاز دارم.	این غیر مجاز است.
شُكْرًا.	لا بَأْسَ.
متشکرم	اشکالی ندارد
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	إِجْمَعِيهَا وَ اذْهَبِي.
در امان خدا.	آن‌ها را جمع کن و برو.

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

## التَّمارين

### التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَيْسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ. ... **القائد** ... رهبر  
رئیس کشور، کسی است که به مسئولین دستور می‌دهد و آنها را بر انجام تکالیفشان نصیحت می‌کند.
- ٢- جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ يَعْيشُونَ فِي بِلَادٍ وَاحِدَةٍ. ... **الشَّعب** ... ملت  
گروهی از مردم که در یک کشور زندگی می‌کنند.
- ٣- تَعَرَّفُ الْبَعْضُ بِالْبَعْضِ الْآخِرِ. ... **التعارف** ... آشنایی  
آشنا شدن برخی با برخی دیگر.
- ٤- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. ... **العميل** ... مزدور  
کسی که به نفع دشمن کار می‌کند.
- ٥- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ. ... **خُمس** ... یک پنجم  
یک بخش از پنج است.
- ٦- نَشْرُ الْخَبَرِ. ... **الْبَث** ... پراکندن  
انتشار خبر

### التَّمْرينُ الثَّانِي: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

- |                |   |   |
|----------------|---|---|
| ١- ذَاكَ       | ١ | إِسْمٌ إِشَارَةٌ لِغَيْرِ الْقَرِيبِ.             |
| آن             |   | <small>کلمه‌ای برای اشاره به دور دست است.</small> |
| ٢- عِنْدَيْدُ  | ٦ | أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.                 |
| در آن هنگام    |   | <small>بسیار بزرگ‌تر از دریا</small>              |
| ٣- الْفَارِغُ  | ٣ | لَيْسَ فِي دَاخِلِهِ شَيْءٌ.                      |
| خالی           |   | <small>در درونش چیزی نیست.</small>                |
| ٤- الدَّوَامُ  | ٥ | قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.                          |
| ساعت کار       |   | <small>تکه‌ای از زمین</small>                     |
| ٥- الْبُقْعَةُ | ٢ | فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ.                             |
| تکه‌ای از زمین |   | <small>در آن وقت</small>                          |
| ٦- الْمَحِيطُ  |   |   |

### التَّمْرينُ الثَّلَاثُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / يَعْذِرُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

- ١- ..... **لَدَيَّ** ..... جَوَّالٌ تَفَرَّغُ بَطَارِيَّتُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.  
تلفن همراهی دارم که باتری‌اش در طی نصف روز خالی می‌شود.
- ٢- زَمَلَانِي فِي الدَّرْسِ عَلَيَّ حَدٌّ ..... **سَوَاءٍ** .....
- ٣- لِيَصْدِيقِي ..... **فَضْلٌ** ..... فِي حُسْنِ الْخُلُقِ.  
دوستم در خوش خلقی برتری دارد.
- ٤- لَا يَقْبَلُ ..... **الشَّعْبُ** ..... الْإِيرَانِي الصَّغَطَ.  
ملت ایرانی فشار را نمی‌پذیرد.
- ٥- لَا تَعْبُدُوا ..... **مِنْ دُونِ** ..... اللَّهِ أَحَدًا.  
غیر از خدا کسی را عبادت نکنید.

## الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ)

۱- ... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاجِلَ؟

زرافه در یک روز کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله می‌خوابد؟

۲- ... مَقْبَرَةٌ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

قبرستان «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگ‌ترین قبرستان‌ها در جهان است؟

۳- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

چین اولین کشور در جهان است که پول کاغذی (اسکناس) را به کار گرفت؟

۴- ... الْقَرْسُ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

اسب می‌تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟

۵- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟

بیشترین ویتامین سی برای پرتغال در پوستش است؟

## الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الضَّمِيرَ الْمُنَاسِبَ لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِيَ    نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمْ / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

نَحْنُ سَمَمْتَلِكُ	أَنَا مَا أَرْسَلْتُ	أَنْتُمْ أَحْبَبْتُمْ	إِحْتَفِلْ أَنْتِ	نَحْنُ أَوْجَدْنَا
ما مالک خواهیم شد	من نفرستادم	شما خبر دادید	تو جشن بگیر	ما ایجاد کردیم
أَنْتُمْ تَتَعَارَفُونَ	لَا تُخْرِجْ أَنْتِ	هُوَ مَا تَسَاقَطَ	أَنْتَنْ جَالِسْتَنْ	هُوَ... كَانَ يَنْتَفِعُ
شما با هم آشنا می‌شوید	تو بیرون نرو	او نیفتاد	شما همنشینی کردید	او سود می‌برد
هُنَّ يُحَافِظْنَ	أَنَا أَحْتَرِمُ	لَا تَسْتَرْجِعُوا أَنْتُمْ	هُمَا كَانَا يُمَارِسَانِ	هُمَ لَا يُفَرِّقُونَ
آنها محافظت می‌کنند	من احترام می‌گذارم	شما پس نگیرید	آن‌ها تمرین می‌کردند	آن‌ها جدایی نمی‌اندازند



الْتَمْرَيْنِ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ.

۱- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتٍ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَ عِلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا، وَ لَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ عَلَى الْجَهْلِ.

قلبی که در آن چیزی از حکمت نیست مانند خانه‌ای خراب است. پس یاد بگیرید و یاد دهید و اندیشه کنید و نادان نمیرید؛ زیرا خداوند به خاطر نادانی عذر نمی‌پذیرد.

۲- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

علم را یاد بگیرید و برای آن آرامش و متانت را یاد بگیرید و نسبت به کسی که از او یاد می‌گیرید و به کسی که به او یاد می‌دهید فروتن باشید.

۳- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

مثل مؤمن مانند عطار (عطر فروش) است اگر با او هم‌نشینی کنی به تو سود می‌رساند و اگر با او همراه شوی به تو سود می‌رساند و اگر با او مشارکت کنی به تو سود می‌رساند.

۴- الصِّيَاقَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ، وَ عَلَى الضَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

مهمانی سه روز است پس هر چه زیاد شود آن (نوعی) صدقه است و بر میهمان است که جابجا شود (تغییر مکان دهد).

۵- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْدُ.

دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خساست و دروغ.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا. ۞ نَوْرُ السَّمَاءِ ۞

۱- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ إبراهيم: ۵

به راستی با آیاتمان موسی را فرستادیم که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج کن  
 ماضی: أَرْسَلْنَا  
 امر: أَخْرَجْ

۲- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۲

و از آسمان، آبی فرستاد، پس با آن میوه‌ها را روزی برای شما در آورد.. (پدید آورد)  
 ماضی: أَنْزَلَ  
 ماضی: فَأَخْرَجَ

۳- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۵۷

خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج می‌کند...  
 ماضی: آمَنُوا  
 مضارع: يُخْرِجُ

۴- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِرٍ: ۵۵

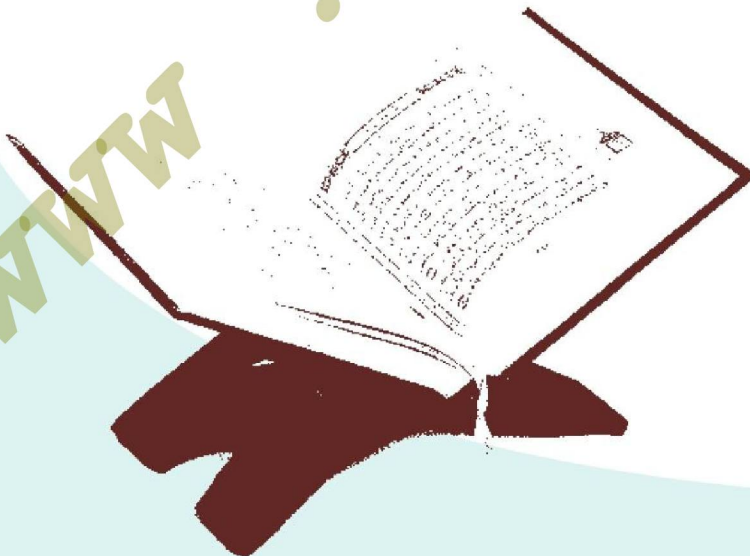
پس صبر کن، به درستی که وعده خداوند حق است و برای گناهت طلب مغفرت کن...  
 امر: اصْبِرْ  
 امر: اسْتَغْفِرْ

۵- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الْإِسْرَاءُ: ۱۰۵

و آن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد...  
 ماضی: أَنْزَلْنَا  
 ماضی: نَزَلَ

۶- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۳۰

گفت: قطعاً من می‌دانم آن‌چه را شما نمی‌دانید...  
 ماضی: قَالَ  
 مضارع: أَعْلَمُ  
 مضارع: تَعْلَمُونَ



## التَّمرينُ الثَّامنُ: صَعِّ في الفَراغِ فِعْلاً مُناسِباً.

- ١- ..... فَتَدخَلُ المُدِيرُ وَ نَصَحنا وَ نَدَمنا عَلى عَمَلِنا القَبِيحِ. تَضارَبنا  ضَرَبنا
- ٢- أَلزَمَنا ..... مَعَ بَعْضِ في بِدايَةِ السَّنَةِ الدَّراسِيَّةِ. يَتعارَفونَ  يَعْرِفونَ
- ٣- نَدِمَ أَخِي الصَّغِيرُ مِنَ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا ..... هُ. عَدَرْتُ  إِعْتَدَرْتُ
- ٤- تَعاشَروا كالأِخوانِ وَ ..... كالأِجانبِ. إِعْمَلوا  تَعامَلوا
- ٥- ..... الجُنْدِيُّ أَسرَتَهُ عَبرَ الإِنترنتِ. كاتَبَ  كَتَبَ

## التَّمرينُ التَّاسِعُ: تَرجمُ أَفعالَ هَذا الجَدولِ وَ مَصادِرَها.

أَلَمَاضِي	أَلَمُضارِعُ	أَلَمَصَدَرُ	أَلَأَمْرُ
أَنجَ	توليد كرد	إنتاج	توليد كن
شَجَّعَ	تشويق كرد	تشجيع	تشويق كن
ساعَدَ	كمك كرد	مُساعدَة	كمك كن
تَساقَطَ	افتاد	تَساقَطَ	بيفت
إِسْتَلَمَ	دريافت كرد	إِسْتَلَمَ	دريافت كن
إِسْتَحْدَمَ	بكار گرفت	إِسْتَحْدَمَ	بكار گير
إِنْتَفَعَ	سود بُرد	إِنْتَفَعَ	سود ببر